



تکمیل

چراغ هدایت

عاشورا روز عزای عمومی ملت
مظلوم است، روز حماسه و تولد
جدید اسلام و مسلمانان است.

پیام امام خمینی رحمته به مناسبت قیام ۱۵ خرداد (۶۳/۳/۱۵)

حکومت و حاکمیت و اعتلای کلمه
اسلام و کلمه امید به برکت اسلام در
دل مستضعفان عالم، آثار محرم است.

حدیث ولایت، جلد ۲، صفحه ۱۱



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس تهران: خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس قم: بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی تلفن: ۰۲۵۳۸۱۸۷۱۰۸

تهیه، تنظیم و ناشر: مجتمع فرهنگی آموزشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۷۰۰ دوره

قیمت دوره: ۳۰۰۰۰ تومان

اهدایی غیر قابل فروش



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

باز این زیارت در خلق عالم است

السَّلَامُ عَلَى الْأَوْلَادِ الْحُسَيْنِ

و عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

و بر اهل بیت و عتبات است

باز این زیارت در همه عالم است

باز این زیارت در همه عالم است

«مصلحت‌های خود ساخته»

آمده‌اند تا از «حسین علیه السلام» بیعت بگیرند برای «یزید». بهانه‌شان خیرخواهی است و اینکه قبول خلافت «یزید» مصلحت اسلام و مسلمین است و امان از این مصلحت‌های خود ساخته. پاسخ امام حسین علیه السلام روشن است. پاسخی انقلابی برای مصلحت واقعی مسلمین: «اینک باید فاتحه اسلام را خواند که مسلمانان به فرمانروایی مانند یزید گرفتار شده‌اند ... اگر در تمام این دنیای وسیع هیچ پناهگاهی نباشد، باز هم من با یزید بیعت نخواهم کرد.»

- لهوف، ص ۲۰. مثير الاحزان، ص ۱۰. مقتل عوالم، ص ۵۳. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۵. طبری، ج ۷، ص ۲۲۱. کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۶۵. ارشاد مفید، ص ۲۰۲.



«منافق صلح جو»

امام حسین علیه السلام به مکه رسیده است. «عبدالله بن عمر» نزد ایشان می آید. پیشنهاد صلح و سازش می دهد و نگران کشته شدن حسین علیه السلام است. امام به او می فرماید:

«یا ابو عبدالرحمان! از خدا بترس و دست از نصرت و یاری ما بردار!»

به مظلومیت امام علیه السلام گریه می کند و افسوس می خورد و وی را به خدا می سپارد و چند روز بعد در مدینه با یزید بیعت می کند. به خیال خودش دور از چشم همه. دور از چشم حسین علیه السلام.

● لهوف، ص ۲۶. مشیرالاحزان، ص ۲۰.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبْدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

العهد مني لزيارتكم

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام





السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

الْعُهُدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

آخرین بار زیارت من از شما

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

السَّلَامُ

سلام



«دوازده هزار نامه»

مردم کوفه دوازده هزار نامه به امام حسین علیه السلام نوشته‌اند و اعلام کرده‌اند که با او هستند و مال و جانشان در خدمت قیام است.

امام در پاسخشان می‌نویسد:

«درخواست شما در بیشتر این نامه‌ها این بود که ما امام و پیشوایی نداریم، به سوی ما حرکت کن تا خداوند به وسیله تو، ما را به سوی حق هدایت کند. من برادر و پسر عموی خویش (مسلم بن عقیل) را به سوی شما فرستادم تا اگر خواسته اکثریت مردم و نظر افراد آگاه کوفه همان بود که در نامه‌های شما منعکس گردیده و فرستادگان شما حضوراً بازگو نموده‌اند، من نیز ان شاءالله سریع به سوی شما حرکت خواهم نمود.»

- طبری، ج ۷، ص ۲۳۵. کامل
- ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۶۷. ارشاد،
- ص ۲۰۴. مقتل خوارزمی، ج ۱،
- ص ۱۹۵ و ۱۹۶.



سازمان اوقاف، امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

حکمت
چراغ هدایت



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْي لِزِيَارَتِكُمْ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ

سلام بر حسین

«به سوی عراق»

مردم دسته دسته برای اعمال حج وارد مکه می شوند. امام مطلع شده که به دستور یزید قرار است ترور شود. به احترام مکه و خانه خدا حش را نیمه تمام می گذارد و به سوی عراق حرکت می کند. پیش از حرکت خطبه ای می خواند و می گوید:

«... گویا با چشم خود می بینم [که در کربلا]... اعضای مرا قطعه قطعه و شکم های گرسنه خود را سیر و انبان های خالی خود را پر می کنند... آگاه باشید که هر یک از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد ان شاء الله.»

• لهوف ، ص ۵۳ مثیر الاحزان ، ص ۲۱.





السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيَّكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

الْعُهُدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام



«بیعت می شکنند!»

کاروان امام حسین علیه السلام مکه را ترک کرده و مدتی است به سمت عراق در حرکت است. نامه‌ای به دست امام علیه السلام می‌رسد از یکی از مریدان کوفی، نامه می‌گوید که مسلم و هانی و عبدالله شهید شده‌اند و مردم کوفه پای عهدشان و آن دوازده هزار نامه نبوده‌اند و بیعت شکسته‌اند. امام علیه السلام رو به همراهان می‌کند و می‌گوید:

«خبری ناراحت کننده به ما رسیده است و آن کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر است و شیعیان ما دست از یاری ما برداشته‌اند و اینک هریک از شما که بخواهد، در برگشتن آزاد است و از سوی ما حقی بر گردنش نیست.»

● طبری، ج ۷، ص ۲۹۴. ارشاد مفید، ص ۱۲۳.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْي لِزِيَارَتِكُمْ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ

سلام بر حسین

«دینداران واقعی؟!»

دوم محرم سال ۶۱ هجری قمری است. امام حسین علیه السلام به کربلا رسیده است. توقف کوتاهی نموده و فرزندان و یاران و خاندان را جمع می کند و خطبه ای ایراد می فرماید. از اوضاع و احوال کنونی می گوید و لزوم عزت مؤمنان و خاری افرادی که بیعت شکسته اند و از اینکه مردم در آزمایش ها هستند که خود واقعی شان را نشان می دهند. با این جملاتش تا ابد مسیر را برای بندگان واقعی خدا مشخص می کند. می فرماید: «این مردم برده های دنیا هستند و دین لقلقه زبان شان می باشد، حمایت و پشتیبانی شان از دین تا آنجاست که زندگی شان در رفاه است و آنگاه که در امتحان قرار گیرند، دینداران، کم خواهند بود.»

- تحف العقول، ص ۱۷۴. طبری، ج ۷، ص ۳۰۰. مثير الاحزان، ص ۲۲. ابن عساكر، ص ۲۱۴. مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۵. لهوف، ص ۶۹.



مَدَامَدِكَ



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین



«نامه بی پاسخ»

ابن زیاد از حضور امام علیه السلام در کربلا اطلاع پیدا کرده و برای ایشان نامه‌ای می‌نویسد مضمون نامه این است:

«یا با یزید بیعت کن یا تو را به قتل می‌رسانم!» امام حسین علیه السلام نامه را می‌خواند، آن را بر زمین می‌اندازد و می‌گوید: «کسانی که خشنودی مردم را بر خشنودی خدا ترجیح دهند رستگار نمی‌شوند. نامه ابن زیاد در پیش ما پاسخی ندارد.»

امام حسین علیه السلام پاسخی به نامه نمی‌دهد و پیک ابن زیاد را راهی می‌کند. به دشمن سرکش حتی پاسخ نیز نمی‌دهد چه رسد به آنکه با او مدارا کند!

● مقتل خوارزمی ، ج ۱ ، ص ۲۳۹ .
بحار ، ج ۱۰ ، ص ۱۸۹ .

ما حسین شهید

سجده حکمت
چراغ هدایت



سازمان اوقاف امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

العُهدِ مِنِّي لِمَنْ يَزِيْرُكُمْ

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام

«خانه و باغ یا امام؟!»

امام حسین علیه السلام می خواهد با همه اتمام حجت کرده باشد. پیامی به عمر سعد می فرستد تا گفت و گو کنند.

خیمه ای بر پا می کنند و با برادرش عباس علیه السلام و فرزندش علی اکبر علیه السلام وارد خیمه می شوند. عمر سعد نیز با غلام و فرزندش وارد می شوند. امام علیه السلام به عمر سعد از خدا می گوید و توبه و از اینکه حق و حقیقت چیست.

عمر سعد بهانه های مختلفی می آورد برای جنگ. می گوید که می ترسد خانه و باغ و نخلستانش را ویران کنند و سر آخر هم از وعده های پول و مقامی می گوید که ابن زیاد به او داده است. امام حسین علیه السلام که متوجه بهانه های عمر سعد می شود، گفت و گو را خاتمه می دهد.

● مقتل خوارزمی ، ج ۱ ، ص ۲۴۵.





السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ

سلام بر حسین



وَاللَّهُ

إِنْ قَطَعْتُمْ وَأَيْمِيْنِي

إِنِّي أَحَامُ بِأَبْدَائِعِن دِيْنِي

وَعَنْ إِمَامِ الْمَدِيْنَةِ الْقَيِّمِيْنِي

«آخرین سحر»

عصر نهم محرم است و عمر سعد فرمان حمله می دهد.

امام حسین علیه السلام از برادرش عباس علیه السلام می خواهد که امشب را مهلت بگیرد و جنگ را به فردا موکول کنند.

رو به برادرش می کند و می گوید:

... امشب را به نماز و استغفار و مناجات

با پروردگاران بپردازیم؛ زیرا خدا

می داند که من به نماز و قرائت

قرآن و استغفار و مناجات با او

علاقه شدید دارم.»

این آخرین سحر زندگی امام حسین علیه السلام است.

- انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۵
- طبری، ج ۷، ص ۳۱۹ و ۳۲۰. کامل
- ج ۳، ص ۲۸۵. ارشاد، ص ۲۴۰



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

باز این چه عجز و حقیر است

باز این چه پستی است که در حق عالم

باز این چه عجز و حقیر است

باز این چه پستی است که در حق عالم

باز این چه عجز و حقیر است

باز این چه پستی است که در حق عالم

باز این چه عجز و حقیر است

باز این چه پستی است که در حق عالم

«شب موعود»

نماز مغرب را خوانده‌اند.

امام حسین علیه السلام رو به یاران می‌کند و می‌گوید:

«... من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده‌ام و اهل بیت و خاندانی باوفاتر و صدیق‌تر از اهل بیت خود سراغ ندارم، اینک وقت این شهادت رسیده است، من بیعت خود را از شما برداشتم و به همه شما اجازه می‌دهم که از این سیاهی شب استفاده کرده و جان خود را از مرگ نجات بخشید.»

هر کدام از یاران همچون بلبل‌ی خوش‌نغمه، آواز وفاداری سر می‌دهند و اعلام می‌کنند که تا آخرین نفس با امام خواهند ماند. و اینگونه تاریخ به خود سربازانی می‌بیند که در اطاعت از رهبر تا ابد تکرار نمی‌شوند.

● تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.
کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۵.





«مبارزه با همه توان»

صبح عاشورا است. امام حسین علیه السلام برای جنگ آماده شده است. صفوف لشکر را منظم می کند. سمت راست لشکر به زهیر بن قین و سمت چپ را به حبیب بن مظاهر می سپارد. آخرین توصیه ها را می کند و آرایش نظامی می گیرد.

پرچم را به برادرش عباس علیه السلام می دهد و خود در قلب سپاه قرار می گیرد. هرچه در توان دارند را باید در راه خدا خرج کنند حتی اگر تعداد لشکریان دشمن و ابزارشان بیشتر باشد. این درس امام حسین علیه السلام است به همه ما. مبارزه با همه توان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت ، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

الْعُهُدِ مِنْ لِي زِيَارَتِكُمْ

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

وقرارندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام

باز نخستین سپهر است که در جنگ عالم
بازترین نوحه و پرچم است

عاشورا

● معانی الاخبار چاپ مکتبه
الصدوق ، ص ۲۸۹.



سازمان اوقاف امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

۱۲
سخن
چراغ هدایت



«هدایت دشمن!»

صفوف لشکر ۷۲ نفره منظم شده است. امام علیه السلام سوار بر اسب می شود و به سوی لشکر دشمن حرکت می کند. خطبه ای می خواند و نسبت به سرنوشت شومشان هشدار می دهد. رو به لشکر می کند و می گوید: «مردم! حرف مرا بشنوید و در جنگ و خونریزی شتاب نکنید تا من وظیفه خود را که نصیحت و موعظه شماست، انجام بدهم.»

فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آخرین لحظه به فکر هدایت هستند. حتی هدایت دشمن.

• طبری، ج ۷، ص ۳۲۸ و ۳۲۹.
کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۷.
ارشاد مفید، ص ۲۳۴. مقتل
خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

الْعُهْدِ مِنْي لَزِيَارَتِكُمْ

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام



يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
معاونت فرهنگی و اجتماعی



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

العهد مني لزيارتكم

آخرین بار زیارت من از شما

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

السَّلَامُ

سلام



«آخرین وداع...»

همه یاران و نزدیکان رفته‌اند و شهید شده‌اند. هیچ کس نمانده است. امام حسین علیه السلام به سمت خیمه گاه می‌رود و برای آخرین بار با خواهر و زن و فرزندان خداحافظی می‌کند. آنان را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کند و می‌فرماید: «برای روزهای سخت و غمبار آماده باشید و بدانید که خداوند پشتیبان و حافظ شماست و در آینده نزدیک شما را از شر دشمنان نجات خواهد داد... در عوض این سختی و مصیبت، انواع نعمت‌ها و کرامت‌ها را در اختیار شما قرار می‌دهد پس گله و شکوه نکنید و آنچه ارزش شما را کم کند بر زبان نیاورید.»

● مقتل مقرر، ص ۳۳۷



«آخرین مناجات»

آخرین دقایق زندگی امام حسین علیه السلام است. خسته و خونی و زخم دیده افتاده است. چشم‌هایش را باز می‌کند و به آسمان نگاه می‌کند و با خدای خود اینگونه مناجات می‌کند:

«ای خدایی که مقامت بس بلند، رحمتت به بندگانت نزدیک، هر کس که از در توبه درآید را پذیرایی، کسی را که شکر گزار تو باشد شکرگزاری، از تو مدد می‌طلبم که ناتوانم، خود را به تو وا می‌گذارم که بسنده‌ای، خدایا! در میان ما و قوم ما داوری کن، بر حکم و تقدیر تو صابر و شکیباً هستم.»

این آخرین ثنیه‌هاست. صورتش را روی خاک می‌گذارد و می‌گوید: «به نام خدا و به یاد خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا [شهید می‌شوم].»

این آخرین کلمات امام علیه السلام است که در گوش تاریخ مانده است.

● لهوف، ص ۱۱۰.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز

العُهدِ مِنِّْي لِزِيَارَتِكُمْ

آخرین بار زیارت من از شما

عَلَى الْحُسَيْنِ

بر حسین

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

و قرار ندهد این زیارت را خداوند

السَّلَامُ

سلام

